

نارسیسیسم Narcissism

خود شیفتگی چیست؟ و خود شیفته کیست؟



در هر جامعه‌ای زشتی ها، کاستی ها و نارسایی ها بی دلیل پدید نمی آیند و قطعاً عواملی و دلایلی موجب تسلط زشتی بر زیبایی و تفوق کاستی بر آراستگی می گردد و آن چیزی نیست جز دنیا شیفتگی،قدرت فریفتگی،فزون خواهی و تمامت جویی اقلیتی حقیقت ستیز و عدالت گریز که به جهت رامش جویی و کاشش طلبی،چهره جمیل انسانیت و رخسار زیبای حق و حقیقت و جمال حیات طیبه انسان را مخدوش می نمایند و همه چیز و همه کس را فدای نفسانبات و خود خواهی می سازند.

قران کریم می فرماید: ان ... لا یغنی ما بقوم حتی یغیروا ما بانفوسهم.یعنی همانا خداوند حال و وضع هیچ قومی را دگرگون نمی سازد مگر این که خود در اندیشه دگرگونی باشند.به قول "نه شاز" شاعر بزرگ فرانسوی" هر کسی که نتواند چیزی را تغییر دهد، شایسته هیچ تکریمی نیست.نیک پیاداست که اساسی ترین رسالت و وظیفه انسان حمایت از حق و حقیقت و پاسداری

از عدالت است و نجات این گروه‌های گران سنگ از چنگ حقیقت ستیزان و عدالت گریزان...

تردیدنی نیست که زندگی زیباست با تمام فراز ها و فرودها و باید تلاش کنیم که زیبایی ها را با همه عظمت و شکوهی که دارند برای نسل های امروز و فردا ترسیم کنیم و به نگاشتن بدی ها و زشتی ها و پابندی ها خاتمه دهیم و در ساختن آینده ای شگرومند نقشی انسانی ایفا کنیم.به گونه ای که آیندگان به جای سرزنش و نکوهش نسل ما ،زبان به تحسین و تمجید گشایند.

ناگفته پیاداست در کشورهای توسعه یافته یکی از دلایل تحقق توسعه مطلوب و متوازن و تجلی عدالت در ابعاد گوناگون به ویژه تبلور عدالت توزیمی ،وجود احزاب قدرتمند مردمی است.افزون بر این توسعه دموکراسی و رشد مردم سالاری بدون نقش آفرینی احزاب مستقل محقق نمی شود.متأسفانه در کشور ما به جهت فعالیت مقطعی و تلاش فصلی احزاب،آن هم در ایام انتخابات موجب بدبینی و عدم اعتماد مردم گردیده

است. "چارلز مریام" یکی از صاحب نظران ،مواردی به غیر از کسب قدرت را جزو کار ویژه ها و اهداف اساسی احزاب بر می شمارد.

– انتخاب نامزدهای کارآمد، شایسته و مقبول

– تدوین و تبیین سیاست های کلی و تشریح رسالت حزبی

– نقد مشفقانه و دلسوزانه دولت مستقر

– آموزش سیاسی اعضا و انتقال به آحاد مردم

– بل ارتباطی بودن و میانجیگری بین مردم و حاکمیت

شگفت آن که در کشور ما تحزب به صورت مطلوب و اصولی و روال مند محقق نشده است و احزاب در ایام انتخابات انگشت حمایت بر روی گزینۀ یا گزینۀ هایی می نهند و پس از شکست و عدم پیروزی کرکره را پایین می کشند تا انتخاباتی و موعد رقابتی دگر و در صورت پیروزی چند صبحی در صحنه می مانند و خودی نشان می دهند و سهم معقول و نامعقول خویش می طلبند و یا مرادشان برآورده می شود یا نمی شود که در هر دو حالت



گر بگویم که مراحل پریشانی نیست

رنگ رخساره خیرمی دهد از سر ضمیر(سعدی)

نارسیسوس یا نارسیس مرد جوان خوش سیمایی بود که شیفته تصویر چهره خویش شد و مدام بر لب چشمه می نشست و عاشقانه به رخسار خود در آب می نگرست و روز به روز افسرده تر می شد و این اسطوره یونانی نهایتاً از شدت غم و اندوه جان سپرد.در واقع خود شیفتگی اختلال هیجانی اغراق آمیز است و خود شیفته کسی است که تنها خود را واجد ارزش های فردی و اجتماعی و شایستگی های علمی،فرهنگی و اجتماعی می داند و رفتارهای را بر حق می شمارد و همیشه سایرین را مقصر و باطل می پندارد.

ترسم آن روز که در آینه ی خود نگری

عاشق خود شوی و دیده زمن بر سیری

چه حقیرند و کوچک آنانی که مغرورند و خویشتن

فریفته و این خود شیفته‌گان بیچاره گویی نمی داند که پس از پایان بازی شرط‌نج تمامی مهره ها اعم از شاه وزیر و سرباز پیاده،جملگی در یک جعبه قرار می گیرند. قدر مسلم این زندگانی ناپایدار نیز همچون بازی شرط‌نج است و پس از فرا رسیدن زمان مرگ و پایان حیات دنیوی در جعبه ای به نام" تابوت" باید قرار گرفت و این مرکب چوپین در انتظار همگان است و شاه و گدا نمی شناسد.فقیر و غنی،شاه و گدا،ضعیف و قوی،پیر و جوان را از آن گریزی نیست.بی شک آغوش سرد خاک، سبکباران را با گرمی و مهربانی افزون تری به سینه می فشارد و گزایناران و توانگران قدر قدرت با دلهره بیشتری از این دنیا دل بر می‌کنند و در آغوش سرد و نا مهربان خاک جای می گیرند.

همگان را در این دنیا رسالت این است که با درک صحیح مرتبت و منزلت رفیع انسانی و با ایمانی راسخ و اراده ای استوار کمالات بالقوه وجودی خویش را فعالیت بخشند و گوهر بر بهای انسانی خود را متجلی سازند. پر واضح است کسانی که فاقد ایمان و اراده راستین اند به جای رسیدن به کمال و آراستگی در باتلاق نقصان و

می شود.تعداد کرسی های احزاب در قوه مقننه ، تعیین کننده میزان سهم آنان در دولت است.اگر در نظام پارلمانی ،تشکیلات حزبی حکومت بر احزاب متعددی متکی باشد و در انتخابات پارلمان حزب غالبی وجود نداشته باشد در آن صورت ، احزاب با توجه به تعداد کرسی های کسب شده در محیطه سهم دارند و دولت ائتلافی شکل می گیرد .حال سوال این است که در ایران پس از گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی و شکل گیری دوازده دولت با شعارها و کارکردهای متفاوت ، روی آوری به نظام پارلمانی و کنار گذاشتن نظام ریاستی چه نتایجی دارد؟در صورت اجماع ملی بر سر لزوم چنگدگانی حوزه سیاست در ایران و وجوب نظام پارلمانی در آن و احتمال شکل گیری دولت های ائتلافی ، از آن پس ساختار اداری در کشور چه وضعیتی پیدا می کند؟

حزب جمهور اسلامی و تقابل نه شرقی ، نه غربی

احزاب در مشرق زمین الگوی بومی ندارند.احزاب سوسیالیستی تنها وجه مشترک کنش گری حزبی در بین کشورهای شرقی و غربی است.حزب جمهوری اسلامی در ایران به عنوان تنها حزب فرآگیر در سال های اول انقلاب اسلامی به دلیل اختلافات درونی رهبران آن نتوانست از خود هویت حزبی موردنظر و منحصربفردی ارابه هد که نماینده تحزب اسلامی در جهان دوقطبی باشد .گرچه طرح داشتن حزب واحد فرآگیر از همان ابتدا ، نظام نوپای اسلامی را با تنگنا و انگ اتهام هایی مانند تمامیت خواهی و خودکامگی نظام های استبدادی مواجه می ساخت اما اگر درست اجرا می شد و مردم همان آموزه های دینی را که از امامان معصوم علیهم السلام در حکومت اسلامی می شناختند در زندگی عملی سیاستمداران انقلابی نیز می دیدند و کار تشکیلاتی و الگوسازی در جامعه به خوبی انجام می شد کارنامه تحزب در آن سال ها ناموفق نمی شد.

انحلال حزب جمهوری ایران در سال ۱۳۶۶ پایانی بود بر مدل حکومت تک حزبی و حزب فرآگیر ، اتفاق نامبارکی بود که دوگانه سازی جامعه در آن زمان و دوقطبی شدن مردم در این زمان از پیامدهای آن است. پوپولیسم قطبی در ایران پدیده ای است که با هواداری حزبی تفاوت اساسی دارد.مردم در اردوگاه اصلاح طلبی و اصول گرایی خیلی فرقی از نظر روش شناسی سیاسی باهم ندارند.اشخاص مرجع افکارشان هستند.و به داشتن تحلیل های انقلابی کاری ندارند.اشخاص جای هر تحلیل فردی را گرفته اند و عوام فریبی بیاد می کند.انتخاب درست اصلا معنا ندارد هرچه اشخاص خاص در این بزنگاه های سیاسی بگویند همان حقیقت است و نیاز به تحقیق و راستی آزمایی ندارد.نه تنها در سه دهه اخیر ، رقابت های دوحزبی در ایران به معنای حرفه ای آن مشاهده نشده بلکه



علیرضا سعیدآبادی

۱۳۸۶

۱۳۸۷

۱۳۸۸

۱۳۸۹

۱۳۹۰

۱۳۹۱

۱۳۹۲

۱۳۹۳

۱۳۹۴

۱۳۹۵

مقدمه
قرآن کریم انسان ها را براساس دوست داشتن و یاری خداوند و شیطان به دو حزب ؛ الله و شیطان تقسیم می کند.از نگاه دینی ، این دو حزب همواره در تقابل پایکدیگر هستند.دنیای غرب ، خاستگاه احزاب امروزی است. تحزب برای جایجایی قدرت در فرهنگ سیاسی ، جایگاه محوری دارد.در نگاه دینی این پدیده سیاسی ، سهل و ممتنع است و برای ارزیابی آن باید دید چه تاثیری بر ترکیب یا تجزیه نیروهای سیاسی جامعه دارد و این که حقیقت در بزنگاه به خطر افتادن منافع حزبی ، استوار می ماند؟!انگاه عرفی به دین و آزادی در مکتب لیبرال دموکراسی غربی مفروض است.اما در مکتب اسلام ، اصل محوری "و اعتمصوا به حبل الله جمیعا و لاتفرقوا" بر وحدت در جامعه اسلامی دلالت دارد.تمایز انبیا ، امامان و اولیای الهی بر دو اصل توحید و باگشت به سوی خداوند تاکید داشته اند.انتخابات شورای امام خمینی(ره) با رهیافت جدیدی ، پا به عرصه سیاسی جهان گذاشت.دو اصل بنیادین "نه شرقی ، نه غربی ، جمهوری اسلامی" و "استقلال ، آزادی

، جمهوری اسلامی" ثمره مجاهدت های مردم بوده است.در دهه اول ، تاسیس و انحلال حزب فرآگیر جمهوری اسلامی بزرگ ترین رویداد برای حزب گرایی در ایران معاصر بشمار می رود.پس از آن دوگانه سازی های سیاسی آغاز می شود.شروع این بازی حزبی به انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی بازمی گردد که اکنون پس از گذشت سه دهه ، وارد مرحله روبروویی دوقطبی تمام عیار در آشفته بازار سیاست داخلی کشورمان شده است.برای مثال ، تحزب را یکی در داخل برای فرار از اتهامات حقوق بشری جهان غرب برمی تابد و دیگری(ره) را نسخه شفابخش می داند.احزاب ، میراث مشترک بشریت نیستند که ما بدون توجه به آموزه های خودی و بومی سازی ، فلسفه آن را دریست بدبینیم .

نظام پارلمانی و نظام ریاستی از اشکال رایج حکومتی هستند که با هم تفاوت های اساسی دارند.در نظام پارلمانی ،مجلس واسطه بین مردم و دولت است و انتخاب مستقیم رئیس جمهور در نظام ریاستی به انتخاب غیر مستقیم تبدیل

سیاسی فراتر رفته و به "نهضت مستقل ها در ایران"که در انتخابات مجلس دهم با هدف تنظیم روابط قدرت و با پیشتازی صدها رسانه در نواحی و مناطق مختلف کشور اعلام موجودیت کرده و فرآگیر شده رجوع شود .مجلس شورای اسلامی و نظام پارلمانی

در سال ۱۳۷۶ ، تعریفی که از جامعه مدنی برای معرفی اصلاح طلبی ارائه می شود تعریفی دینی است."جامعه مدنی ، همان جامعه مدینه النبی است."اصول گرایی نیز خود را با دین ملاری یکی می داند و آنچه از این نزاع دینی حاصل می شود گسترش بی ایمانی در جامعه جوان ایرانی است.اصول گرایی نیز

در انتخابات دوازدهم شاهد پدیده ای به نام پوپولیسم قطبی هستیم.۲۴ میلیون کسانی که به اصلاحات ، متصل هستند و ۱۶ میلیون کسانی که به حکومت دینی فکر می کنند.

سیاسی فراتر رفته و به "نهضت مستقل ها در ایران"که در انتخابات مجلس دهم با هدف تنظیم روابط قدرت و با پیشتازی صدها رسانه در نواحی و مناطق مختلف کشور اعلام موجودیت کرده و فرآگیر شده رجوع شود .مجلس شورای اسلامی و نظام پارلمانی

اگر فرصت های دهه اول فوت نشده بود و دولت یکی پس از دیگری حزب های دولت ساخته بوجود نیاورده بودند و اکنون شاهد چنگدگانی سیاسی در کشور نبودیم در ساختار اداری بهره بیشتری بیری.

مجلس شورای اسلامی که دو ماوریت قانونگذاری و نظارت بر حسن اجرای قانون را به عهده دارد ، در نظام پارلمانی به درستی در راس امور قرار می گیرد.صندلی های پارلمانی با قافیه مدنی خاصی به نمایندگان ملت داده می شود و دیگر پول های تبلیغاتی تعیین کننده برنده انتخابات نیستند و احزاب واسطه بین مردم و حکومت قرار می گیرند. این وضعیت گرچه باعث چنگدگانی سیاسی می شود اما با وجود جایگاه خطیر رهبری در بلند مدت نسبت به نظام ریاستی فعلی ، کارآمدتر و بهتر است.باتوجه به مفروضاتی که ارایه کردم این انتخاب ، راه چاره اجتناب ناپذیر و ناگزیر است.ایکاش فرصت های پیشین را از بین نبرده بودند. رابطه ایجابی یا راهبردی دولت سازندگی و حزب کارگزاران سازندگی ، دولت اصلاحات و جبهه مشارکت ایران اسلامی و دولت عدالت محور و تشکی موسوم به یکتا همه بر وجود پیکاه دولتی احزاب در ایران گواهی می دهند.

دولت اعتدال که پدیده سیاسی جدیدی نیست و خود حاصل ائتلاف رهبران دولت های ساززندگی و اصلاحات برای غلبه بر قویک بوده است.رابطه احزاب و دولت ها در ایران وارونه است.احزاب باید دولت ها را روی کار بیاورند

و نه این که دولت ها ، احزاب را بهتر بگویم روسای دولت ها نباید احزاب دولت ساخته و شبه دولتی داشته باشند. تلاش شخصیت ها برای ماندگاری در قدرت باعث شده که فرصت های سیاسی باقی بین برونند و الا آن راهی جز پیروی از آمان امام ارحم(ره) و برپایی حزب مستضعفان جهان اما انسجام ندارند.برکردار از این جریانات سیاسی موجودرا بخوایید.نادیده بگیرید.به اجماع ملی نمی رسید.برای این که رابطه مردم با احزاب ، احزاب با مجلس ، مجلس با دولت

و رابطه همه آنها با رهبری دقیق و تعریف شده باشد.نیازمند تغییراتی در قانون اساسی هستیم تا از این شرایط به خوبی عبور کنیم.این که کسانی به فراوانی صندلی های فتح شده مجلس فعلی و کسب سهم بیشتری می اندیشند و با نظام پارلمانی به خاطر برقرار نبودن موازنه خودی در حال تحویل مخالفت می کنند این منطق درستی نیست و با تحلیل راهبردی موردانتظار از نظام اسلامی آن هم در این جهان

متاثر از تمدن ادای غرب ، مغایرت دارد.امروز باید جامع فکر کنیم تا آیندگان نیز از آن بهره مند شوند.